

آفتاب لگن هفت دست اقدام به موقع در فوتبال... .

نادیده گرفته شدن برخی از موارد تصریح شده در قوانین جاری فوتبال در سطح استان اردبیل یک واقعیت غم‌انگیز است. برای این ادعا می‌توان چندین نمونه و مصداق ذکر کرد.

شاید در هیچ مقطعی از تاریخ فوتبال اردبیل چون سال‌های اخیر بی‌توجهی به برخی از مقررات روشن، آشکار و صریح فوتبال سابقه نداشته‌است. بارها به مواردی در این ارتباط از طرف فوتبالی‌ها و پایگاه خبری، تحلیلی ناظر ورزش اشاره شده‌است ولی گویا کسی برای شنیدن واقعیت‌ها و مساعدت برای برقراری عدالت و رعایت قوانین، روی خوش نشان نمی‌دهد.

حتی کسانی که در سایه این بی‌توجهی‌ها با ضرر و زیان مواجه شده‌اند در جمع‌های دوستانه از حق‌کشی‌ها، رفتارهای جانبدارانه، ادعاهای فریبنده حرف می‌زنند و مظلومیت خود را با صدایی بلند اعلام می‌کنند ولی جرئت، شهامت و بیان آن‌ها را به‌طور علنی و از طریق رسانه‌ها پیدا نمی‌کنند.

این قبیل افراد خود بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به فوتبال استان زده و می‌زنند و در تاریخ، نام آن‌ها به‌عنوان کسانی که فقط در تاریکی‌ها از حق‌کشی‌ها حرف زده‌اند به یادگار باقی خواهد ماند.

به‌عنوان مثال چرا مسئولین تیمی که به اعتراض هفته اول آن‌ها در دور رفت لیگ به اصطلاح برتر تاکنون رسیدگی نشده و دیدار برگشت با آن تیم را برگزار کرده و الان هم که لیگ به ایستگاه آخر رسیده، دم فرو بسته و برای رفع مشکل از مسئولین مربوطه در استان و فدراسیون استمداد نمی‌کنند؟ از چه می‌ترسند و از چه واهمه دارند؟ آیا ماندن در رقابت‌هایی که نمونه اقدامات‌اش بلا تکلیف ماندن پرونده‌های انضباطی است برای برخی‌ها خیلی مهم است و اهمیت دارد؟

چه معادله‌ای وجود دارد که آقایان در یک جلسه فوتبالی جلوس می‌کنند و فردی محروم از یکسال فعالیت‌های فوتبالی را در جمع خود می‌بینند ولی سکوت اختیار کرده و به گسترش بی‌قانونی کمک و مساعدت می‌کنند و لب به تحسین و تمجید باز می‌نمایند؟

به چه دلیلی بازی که در دور رفت نیمه تمام مانده و در دور برگشت دیدار آن دو تیم انجام شده تا به امروز که مسابقات در آستانه به پایان رسیدن است نتیجه اش اعلام نمی شود؟ تیم هایی که در لیگ به اصطلاح برتر استان حضور دارند آیا به نحوی توان اعتراض و یا قدرت بیان واقعیتها را از آنها سلب کرده اند؟ آنهایی که در مجموعه هیئت فوتبال دارای پست و صاحب منصب هستند و با مشاهده این نابسامانیها لب فرومی بندند و از اجرای برنامه های ایده آل سخن می گویند و به راحتی یک لیوان آب خوردن واقعیتها را در زیر چکمه های مقام پرستی و زراندوزی و دنیا طلبی له می کنند فردا در پیشگاه خداوند متعال چه حرفی برای گفتن خواهند داشت؟

به نظر می رسد با این مسائل و دیگر موارد مطروحه چون برابری ۲۸ با ۳۵ و یا یکسان بودن فوق دیپلم با کارشناسی و یا عدم لزوم استعلام از مراجع قانونی و بی توجهی و عدم اقدام اداره کل ورزش و جوانان و فدراسیون یا باید سکوت کرد و بر بانیان وضع موجود درود فرستاد! و یا دست به دامن مسئولینی خارج از حوزه ورزش و فوتبال شد تا شاید فرجی حاصل گردد.